



ویژه نامهٔ مجلهٔ «نقد سینما»

نقدنوشت

نشریهٔ روزانه

چهلمین جشنوارهٔ فیلم فجر

شماره یازدهم

C r i t i c o m m e n t _ @ n a q h d _ n e v e s h t

نقد نوشت

ویژه نامهٔ مجلهٔ «نقد سینما»

سردبیر: سید علی سیدان / دبیر تحریریه: محمد خاجی

شورای نویسندگان: محمدتقی فهیم، نعمت‌الله

سعیدی محمد رضا وحیدزاده، فردین آرایش داود

طالقانی، محمد صالح سلطانی و میثم بالزده

مدیر هنری: مانی پناه پور

فضای مجازی: @naqhd_nevesht

رستاخیز سینمای دفاع مقدس

فیلم «موقعیت مهدی» ژانر دفاع مقدس را چند قدم به پیش برده است. این فیلم برگزیده تحریریه نشریه «نقد نوشت» چهلمین جشنواره فیلم فجر است

تصویر قهرمان ایرانی بر پرده سینما

روند فیلم ساختن دربارۀ قهرمانان ملی که در سال‌های گذشته آغاز شده بود، امسال نیز با فیلم‌های بیرو، موقعیت مهدی، هناس و دسته دختران تداوم یافت

تیم امید، جذاب‌تر از تیم بزرگسالان

فیلمسازان جوانی مانند هادی حجازی‌فر، کاظم دانشی، امید شمس و یوسف حاتمی‌کیا با ارائه آثاری درخشان‌تر از نام‌های بزرگ حاضر در جشنواره رنگ تپویش نسل در سینمای ایران را به صدا درآوردند

سایه‌سنگین سینمای «اجتماعی»

با اینکه امسال یک تنوع ژانر نسبی در فیلم‌های جشنواره دیده می‌شد اما هنوز سایه سنگین درام و ملودرام اجتماعی با ۱۱ فیلم از ۲۲ فیلم، بر سر سینمای ایران حسی می‌شد

فیلم‌هایی برای ارواح و اشباح

در حالی که اقتصاد نحیف سینمای ایران در شرایط کرونایی از همیشه لاغرتر شده و مخاطب سینما به یک‌سوم سال‌های اخیر کاهش پیدا کرده، امسال ۲۴ فیلم ساخته شد و ۶۱ فیلم به جشنواره داده شد

پیار، گوسفند و فیلم برای صادرات

دو فیلم از سه فیلمی که بیشترین نامزدی در جشنواره چهلّم را دارند مخاطب اصلی‌شان جشنواره‌های خارجی است. حالا ایرانی‌ها بعد از کمبود پیاز و گوشت گوسفندی به دلیل صادرات حالا باید منتظر کمبود فیلم باشند!

شَر دوربین رودست کم شد

استفاده از تکنیک فیلمبرداری دوربین روی دست در فیلم‌های جشنواره چهلّم کاهش محسوسی داشت. تکنیکی که فایده‌اش سرپوش گذاشتن روی نابلدی یا عجله کارکردن در دکوپاژ بود و ضررش سرگیجه گرفتن مخاطب در سالن سینما.

فستیوال عجایب مدیریتی

مکان برگزاری جشنواره، چندروز مانده به برگزاری مشخص نبود. پوستر عجیب جشنواره با تمرکز بر دم سیمرغ! روز اول جشنواره رونمایی شد. سالن‌های جشنواره در ایام کرونا شلوغ و رعایت شیوه‌نامه‌ها ضعیف بود. جایزه مردمی حذف شد.

فرش قرمز، فیروزه‌ای شد و بعد دوباره پس گرفته شد. دبیر جشنواره کرونا گرفت و عملاً کار از دست خارج شد

سیمرغ مردمی از قفس پرید

در سالی که برای اولین بار فیلم‌های جشنواره در همه استان‌های ایران به نمایش درآمد سیمرغ بهترین فیلم از نگاه تماشاگران از فهرست جایزه‌ها حذف شد

سال پرکار حوزه هنری

حوزه هنری انقلاب اسلامی با ارائه مشارکت و سرمایه‌گذاری روی چهار فیلم با مضمون ملی و انقلابی، با دست پر در جشنواره حاضر شد

فیلم دومی‌ها مشغول کارند

امسال، سال تثبیت فیلمسازیانی است که جای پای خود را با ساختن فیلم دومشان در سینمای ایران محکم‌تر کردند. فیلمسازیانی مانند منیر قیّیدی، حسین دارابی، امیرعباس ربیعی

این منفعل‌های ابله و دوست‌داشتنی

فیلم‌هایی مانند مرد بازنده، ملاقات خصوصی و نگهبان شب، شخصیت‌هایی ساختند که در عین اینکه مثبت هستند، بسیار منفعل و دست‌وپا بسته و حتی ابله‌اند

حجازی فر نامزد بازیگری نشد

هادی حجازی‌فر با وجود خلق یک شخصیت وبازی ماندگار در نقش شهید باکری حتی نامزد دریافت سیمرغ نشد

سه کام ...



محمدتقی فهیم

یک فصلی که خسرو، در فیلم موقعیت مهدی، دوست شهیدش را کول واز دستورفرمانده سرپیچی می‌کند. او با آن بغض و تلاطم درونی می‌گوید «من مهدی باکری نیستم». فیلمساز کات می‌کند به ایام گذشته که دودوست در حال دوچرخه‌سواری هستند و... مانند میان دودلبیر. دلم را در صحنه جا گذاشتم. نمی‌توانستم تصمیم بگیرم که جای کدامشان باشم. اصلاً دلم نمی‌خواست جای خسرو بودم و عزیزترینم را بردوش داشتم. آرزوی می‌کردم جای دوست خسرو می‌بودم. از سویی نمی‌دانستم که اگر خسرو شهید شده بود. آیا من شهامت آن تمرّد از دستور را داشتم که نگذارم جسد دوستم بر زمین بماند و... هنوز هم نمی‌دانم جای کدام یک بودن بهتر بود.

دو فصل گیر افتادن نیروهای خودی در گرمک خرمشهر. فیلم «دسته دختران» دارد تمام می‌شود. اما هنوز بچه‌ها دارند در میان کانکس‌ها پریم می‌شوند. دورخیزی می‌کنم به سمت پرده تا شاید کمکی کرده باشم. اما یادم می‌آید که این فقط یک فیلم است، پس اگر فیلم است چرامن دلم را در میان آن آتش و خون جا گذاشتم. چرا هر کدام از رزمندگان که به زمین می‌افتند، من دوست دارم جایشان را پر کنم. تو هم، برداشتم که فکرمی‌کنم رزمندگان آن ایام خون بار، به فکر امروز من بودند؟ واقعاً تو هم رزم؟! هر چه بوده و گذشته من دلم می‌خواست آن روز در میان کانکس‌های گرمک خرمشهر بودم تا شاید نخل‌های کتمتری از این سرزمین می‌افتاد. (سه) هنوز نمی‌دانم که دوست داشتم جای دایی در فیلم شادروان بودم یا جای خواهرزاده‌اش. ولی هر چه هست بود و دوست داشتم جوان خانواده بودم. شاید برای همین دلم را در کانکس جا گذاشتم که دایی همه داشته‌اش را به خواهرش می‌دهد تا گره‌خور خانواده باز شود. خیلی دلم می‌خواست آن شب من هم در جمعی بودم که جای خواب کم آورده بودند و یکی در حال عبور پای مرا لگد می‌کرد!



نعمت‌الله سعیدی

از ۲۰۶ فیلمی که دیده‌ام، به جشنواره چهلّم می‌شود نمره معدّل ۴ داد؛ یعنی یک ضرب مردود در بهمن! این یعنی کمافی‌السابق از جشنواره فیلم فجرایی برای این انقلاب و این مرد گرم نخواهد شد. پس احتراماً شهر هنوز دست هالیوود است. سرال چرنوبیل

می‌گوید غیر از کشورهای سرمایه‌داری، حتی برای ابر قدرت‌هایی چون شوروی سابق نیز، داشتن انرژی هسته‌ای مساوی است با حماقت محض و فلاکت وجهه. خانه پوشالی می‌گوید سیاست یعنی پدر سوخته‌بازی. صدها سربال دیگر می‌گویند اگر تمام زمین و آسمان را بگیرد، نه خیری از ملائکه هست و نه خدا. عاقبت تاریخ نابودی است و هیچ خبری از ناجی موعود نیست؛ مگر اینکه امریکا چیزی را تغییر دهد، و هزاران فیلم و سریال دیگری می‌گویند ناموس کیلویی چندانست و ارزش‌های اخلاقی خر کیست... و جشنواره با

تمام سیمرغ هایش باید فعلاً مگس بیراند. علفز را اعلام جنگ است به دانشه‌هایی که نه جامعه‌شناسانشان می‌توانند در مورد هیچ‌کدام از اتفاقات جدی جامعه حرفی برای گفتن داشته بیاشند، نه اقتصاددانان و روانشناسان و فلاسفه و... دانشکده‌های سینمایی‌شان، چرا وقتی ارادل و اوایش به هردلیلی (مثلاً شوب‌های آبان ماه) به خیابان بریزند، احتمال دارد یک نیروی پلیس سهواً به مردم بی‌گناه (یا حتی هواپیمای اوزکراین) شلیک کند؟ چرا احباب و رعایت حریم محرم و نامحرم واجب است؟ چرا مشروب حرام است؟ یک خط جمله عربی در رابطه جنسی خواندن یا نخواندن چه فرقی می‌کند؟ چرا نباید در فضای مجازی عاشق دسی شد؟ چرا اجازه‌اند و چرا دختر دست پدرش است و هیچ ربطی به برادر گردن کلفتش ندارد؟ و چرا...

به منتقدان جبهه انقلاب توصیه می‌کنم نگران فقر تنگرویک سینمای ایران نباشید و دست از سر این دکوپاژ و میزانشنس و جامب‌کات و... «بیخ‌نگاری» بردارید و بدون قرار قبلی به ملاقات خصوصی علفزار بروید. موقعیت مهدی امروز ما خط مقدم دیگری با فمینیسم است. ای تمام دانشکده‌های علوم انسانی! من اعلام خطرمی‌کنم! اگر نظام حقوقی خانواده‌انترشاسیم، هنوز هم تا اطلاع ثانوی دین در دام درام است.

بدون پایان خوش



محمد صالح سلطانی

چند روز قبل از شروع جشنواره، توی صفحه‌ام مطلبی درباره فیلم‌های امسال نوشتم و برایش تیتز زدم: «غافلگیرمان کنید، لطفاً!» حالا که جشنواره به آخر خط رسیده نه می‌توانم بنویسم غافلگیر

شده‌ام، نه می‌توانم مطمئن باشم از اینکه غافلگیر نشده‌ام. فجر چهلّم انگار از همه‌نظر «متوسط» بود. یک میان مایگی کامل در چهل سالگی که علی‌القاعده باید سال پختگی و بلوغ باشد.

از میان ۲۲ فیلم امسال، «موقعیت مهدی» تنها فیلمی بود که به معنای کلمه غافلگیرکننده بود و هم نظری که نظیر منتقدان روی جنبه‌های مثبت فیلم هادی حجازی‌فر، شگفتی بزرگ جشنواره بود. گذشته‌از «موقعیت مهدی» فیلم جدید بهروز شعبی هم واقعاً بدون قرار قبلی وارد فهرست بهترین‌های فجر شد و بسیاری از تماشاگران را غافلگیر کرد. به جز این دو، «دسته دختران» منیر قیدی هم شوق آور بود و یکی- دو کارگردان فیلم‌اولی توانمند مثل کاظم دانشی و امید شمس را هم داشتیم و... همین! سرتوه جشنواره چهلّم را که به هم بدوزیم، بعید است نکته امیدوارکننده بیشتری پیدا شود. مابقی فیلم‌ها مثل «بی‌رویا» و «شب تلایی» و «ضد» اکثر تولیداتی در بهترین حالت متوسط بودند؛ فیلم‌هایی که ضعف تکنیکی مشهودی نداشتند اما فیلم‌نامه‌های معمولی و مضمون‌های سرد و ناامیدکننده کار دستشان داد بود. اینکه

بیشتر کارگردان‌ها امسال رمقی تعریف‌کردن قصه‌های امیدبخش نداشتند برای مدیران و سیاست‌گذاران سینما می‌تواند پیام مهمی داشته باشد. از طرف دیگر، شاید در بعضی آثار امسال نشانه‌های حال خوش را می‌شد پیدا کرد اما «پایان خوش» گمشده بزرگ فجر چهلّم بود که حتی در فیلم‌های متعهد و انقلابی جشنواره هم نشانی نداشت.

عملاً هیچ‌کدام از فیلم‌ها فجر چهلّم، شانس چندانی برای تسخیر گیشه‌سال آینده سینمای ایران را نداشتند و فاتحان گیشه را باید بیرون جشنواره جستجو کرد. گذشته‌از گیشه‌ا‌ما می‌شود به این امیدوار بود که چند فیلم امسال، در فتح قلب تماشاگران شایسته سینما به موفقیت برسند. ما که سال‌هاست به این امید داریم روزهای میانه بهمن مان را برای تماشای رگباری فیلم روی پرده نقره‌ای خالی می‌کنیم؛ امید که امید امسال‌مان واقعی بوده باشد.

کوتاه‌نوشت تحریریه نقد نوشت درباره جشنواره چهلّم فیلم فجر

یخ‌نگاری

ضد سینما



داوود طالقانی

در یک ارزیابی شتابزده می‌توان چهلمین جشنواره فیلم فجر را به «ضد سینما» تعبیر کرد. غالب فیلم‌های سینمایی حاضر در جشنواره، نسبت به وضعیت سیاسی و گفت‌وتمان‌های حاضر در کشور بی‌تفاوت و بی‌تعلق هستند و درباره موقعیت‌های سرنوشت‌ساز دهه‌آخر موضعی ندارند. سیاست‌زایی از سینمای ایران به وضوح در این جشنواره به چشم می‌آید. فیلم سیاسی جشنواره یعنی «مرد بازنده»، نسبت به موضع‌گیری محافظه‌کار می‌شود و از تصمیم‌گیری فراری‌کنند. «ماهان» و «لایه‌های دروغ» شأنیت حضور را نداشتند و نمایش‌شان در جشنواره توهین به مخاطب بود. در این جشنواره، شاهد سه فیلم با مضمون هویت بودیم (بی‌رویا، شهرک و بدون قرار قبلی) اما هر سه خارج از موقعیت سیاسی کشور و وضعیت اجتماعی حاضر به قصه‌سازی روی آورده بودند. «ضد سینما» توصیف سینمایی است که از تعلق خود به سیاست و جامعه می‌گریزد و در سینما بودنش هم شک و شبهه وجود دارد؛ با این حال تنها مورد استثنایی جشنواره «دسته دختران» است که می‌خواهد از همین عنصر ضد سینما استفاده کند. در زمانه‌ای که گفتارهای زنانه شدن قوت گرفته و فمینیسم ایرانی مجال رسانه‌ای شدن پیدا کرده، «دسته دختران» به رادیکال‌ترین شکل ممکن به سراغ مساله زن در جمهوری اسلامی ایران می‌رود، روزر را به موهای فرشته حسینی می‌کشند و کچلش می‌کنند و ۲ به دستش می‌دهند و روانه خط مقدمش می‌کنند تا مردانه‌ترین شکل آرزو بودن در سینمای ایران تجسم پیدا کند؛ یعنی اگر داعای فمینیسم دارید، ما هم فمینیست‌تری می‌توانیم باشیم! اِبه جز «دسته دختران»، مابقی فیلم‌های جشنواره، می‌توانستند ده‌سال اگر هیچ وقت ساخته نمی‌شدند. تغییر در وضعیت سیاسی ایران به اگر هیچ‌آند و تفسیری از وضعیتی که در آن هستیم، ارائه نمی‌شد. بود و نبود این فیلم هائفاً توی نداشت! هر چند موقعیت مهدی خودش یک اتفاق سینمایی مهم در سینمایی است که سال‌هاست همین موضوعات ساده و مهم ملی را نمی‌بیند.

الکن



میثم بالزده

آخرین جشنواره فیلم فجر دهه نود تفاوت چندانی با جشنواره‌های سه چهار سال اخیر نداشت و شاید از جهاتی حتی ضعیف‌تر و بدتر بود. از طرفی حجم فیلم‌های ضعیف این دوره -که به پنهانه تنوع ژانر(۱) به جشنواره راه پیدا کرده بودند- کیفیت جشنواره را از آنچه بوده هم پایین‌تر آورده بود و از طرفی نیز، تغییر دولت و انتصاب مدیران تازه موجب بروز یک شلختگی و بی‌برنامگی در جشنواره شده بود. از میان ۲۲ فیلم حاضر نیز، جز دو سه فیلم خوب و پنج شش فیلم متوسط، آثار، ضعف شدیدی خصوصاً در فیلم‌نامه و روایت داشتند و حتی نتوانسته بودند یک کلیت منسجم قابل تحمل تهیه کنند. جشنواره امسال ۵ فیلمساز نوپای نسبتاً خوب را به سینمای ایران معرفی کرد که می‌توان تاج‌دودی آینده سینمای ایران را در دستان آنان دانست و خصوصاً منتظر شگفتی در دهه ۱۴۰۰ از سمت آنان شد؛ هادی حجازی‌فر، امید شمس، کاظم دانشی، یوسف حاتمی‌کیا و آریسن وزیر دقتری. همچنین دو فیلمساز جوان و خوش‌آتیه، حسین دارابی و امیرعباس ربیعی، با آثار تازه خود، هم جای پای خود را محکم‌تر کردند و هم به نوعی مسیروندبانی ام‌دشمال در سینما را مشخص کردند. رضامیرکریمی و بهروز شعبی نیز توانستند آثاری بهتر از آثار خود خلق کنند و با دستِ پُر به جشنواره آمده بودند. دو جریان تازه نفس و قدرتمند دهه نود سینما، جریان سینمای تاریخ معاصر و جریان سینمای جنوب شهری، بار دیگر بر پرده آمدند؛ هر چند که در لحن و روایت، کمی نسبت به مبداء تغییر کرده بودند.

مهم‌ترین ویژگی جشنواره چهلّم -الکن بودن فیلم‌ها و محافظه‌کاری فیلمسازان بود. آثاری چون «مرد بازنده»، «علفزار»، «ملاقات خصوصی»، «شهرک»، «ضد»، «بی‌رویا» و... با وجود موتیف‌های سیاسی‌شان، ترجیح دادند الکن و عقیم بمانند و با مخاطب خود صریح نباشند.

فرم و تکنیک

۱. شخصیت پردازی: سینمای ایران کماکان از خلق شخصیت‌های دارای باطن، نوان است و بیشتر فیلم‌ها نمی‌توانند شخصیت‌های ماندگار خلق کنند. با این حال، برخی فیلم‌ها به سمت نمایش پرتره‌های ماندگار (مثل: *بیدار*) رفته‌اند. وضعیت

۲. بازنمایی: از حیث ساختار روایت، همه فیلم‌ها از الگوی روایت خطی پیروی می‌کنند. با این حال، به‌ویژه در عصر تولید فیلم‌ها در سینمای ایران، بافت‌های نادر و اغلب بی‌سازمان از روش‌های اطلاعات به صورت قلم‌چراغی استفاده می‌کنند و حتی گاهی با پنهان‌سازی اطلاعات زمینه‌ای، ضعف خود را در قصه‌گویی می‌پوشانند.

۳. چهره‌ها: فیلم‌ها ساختار فیلم‌های ضد قصه به معنای دقیق کلمه نبودیم. فیلم‌های خواستند قصه بگویند اما اغلب آنها، به شکل کلاسیک قصه نمی‌گفتند و از اتانوی در تعریف یک قصه ساده می‌پزد. بر دهنی. فیلم‌ها صرفاً وقایع فقهی ساده هستند و موفقیت در طول فیلم‌های بسط و امتداد پیدایی کند و اتفاقی فراتر از این رخ نمی‌دهد (بی‌رویا، شهرک، شب طلایی، شادوان، علناری، بی‌مادر).

۴. بازیگری: از فیلم‌ها بازی زیاد دارند و تمپو رویدادهای داستان بسیار کند است. فاصله اتفاق‌ها از یکدیگر زیاد است و مخاطب حوصله‌اش سر می‌رود آن‌گونه که باید با فیلم همراه نمی‌شود. بعضی فیلم‌ها قصه را در ادب دلیل می‌هرمان می‌کنند و نمایش مخاطب را دست بگیرند و با خود همراه کنند بدون در نظر گرفتن، نگه‌اش.

۵. جلوه‌های ویژه: در زمینه جلوه‌های ویژه و میدانی و استودیویی، سرمایه‌رو به جلوه‌ای که چند سال پیش در سینمای ایران آغاز شده، در دوره فیلم هم امتداد یافته است و در برخی فیلم‌ها شاهد پرورش و پیشرفت‌های تکنیکی محسوس هستیم که نوید ظهور سینمای تکنیکی را می‌دهد (دسته خزان، موفقیت بی‌رویا).

فجر چہلم دریک نگاہ

جمع‌بندی وضعیت جشنواره چهلم فیلم فجر و فیلم‌هایی که در آن شرکت کردند

نام فیلم		موضوع و مضمون		مخاطب مقروض		ژانر یا زیرژانر	
۱	بیرو	پرتره فهیمان، ورزش، امید		تماشاگر داخلی/نوجوان ایرانی		بیوگرافیک، ورزشی، نوجوان	
۲	مرد بازنده	رانت و فساد، مهاجرت		تماشاگر داخلی/معتزخان به وضعیت رانت و فساد		پلیسی، نوآر	
۳	علفزار	تجاوز، غیرت، قانون و حقوق، فحاش		جشنواره غربی/ تماشاگر داخلی/ زنان، جوانان (باتنرکز بر غریزه جنسی)		درام اجتماعی	
۴	شادروان	بیکاری، بی‌پولی، مهاجرین غیرایرانی		تماشاگر داخلی/ جوانان جوانی سرگرمی و سرخوشی در سینما		ملودرام کیمیک	
۵	برف آخر	محیط زیست، روستا		جشنواره غربی و شرقی/ روشنفکران سینما		تجربی	
۶	لایه‌های دروغ	تصویر ایران، خانواده		تماشاگر داخلی/ نوجوانان و جوانان علاقه‌مند به اکشن		اکشن	
۷	ملاقات خصوصی	مواد مخدر، قانون و حقوق، عشق، مهاجرت		تماشاگر داخلی/ دختران و پسران جوان و عاشق‌پیشه		ملودرام	
۸	ماهان	امید		هیچ‌کدام		ملودرام	
۹	بی‌مادر	رحم اجاره‌ای، طبقه فرادست و فرودست، نقش مادر، خیانت		تماشاگر داخلی/ بزرگسالان طبقه مرفه شهری		درام اجتماعی	
۱۰	دسته دختران	زن، دفاع مقدس		تماشاگر داخلی/ زنان، بزرگسالان علاقه‌مند به تاریخ ایران و ارزش‌های ملی		دفاع مقدس	
۱۱	هئاس	خانواده، پیشرفت علمی، سیاسی-امنیتی، شهید		تماشاگر داخلی/ همسران(بانوان) ایرانی		ملودرام	
۱۲	شب طلایی	نقش مادر، خانواده، بحران اقتصادی، فروپاشی اخلاقی		تماشاگر داخلی/ خانواده‌های ایرانی		درام خانوادگی	
۱۳	تقریبان شب	طبقه فرودست، فساد اقتصادی		تماشاگر داخلی/ مدیران و سیاستمداران کشور، معتزخان به وضع اقتصادی		درام اجتماعی	
۱۴	موقعیت میدی	پرتره فهیمان، دفاع مقدس، شهید		تماشاگر داخلی/ بزرگسالان علاقه‌مند به فهیمان ملی و دینی		دفاع مقدس	
۱۵	بی‌رویا	روانشناسی، بحران هویت، مهاجرت		تماشاگر داخلی/ جشنواره غربی/ جوانان طبقه متوسط شهری		سایکودرام	
۱۶	بدون قرار قبلی	هویت ملی و دینی، تقابل سنت و مدرنیته		تماشاگر داخلی/ جشنواره شرقی/ بزرگسالان دلبسته سنت		معماری	
۱۷	شهرک	روانشناسی، بحران هویت، سینما		تماشاگر داخلی/ نوجوانان و جوانان دوستدار سینما و رمانتیک		ملودرام	
۱۸	۲۸۸۸	دفاع مقدس		هیچ‌کدام		دفاع مقدس	
۱۹	ضد	دهه ۱۰، مجاهدین خلق، سیاسی-امنیتی		تماشاگر داخلی/ جوانان و بزرگسالان علاقه‌مند به تاریخ سیاسی معاصر		تاریخی	
۲۰	خانن کشی	تاریخ معاصر		تماشاگر داخلی/ بزرگسالان و کهنسالان دلبسته تاریخ سیاسی معاصر		تاریخی	
۲۱	درب	روستا		جشنواره شرقی		تجربی	
۲۲	نموز	خیانت		تماشاگر داخلی/ بزرگسالان		درام اجتماعی	

مخاطب مفروض

فیلم‌هایی که مخاطب مفروض خود را در جشنواره‌های شرقی مانند: بوسان، موسکو... هدف‌گذاری کرده‌اند، غالباً به دنبال پرداختن به موضوعات انسانی، معناگرا و اخلاقی هستند. بدین ترتیب، فیلم‌هایی که تماشاگر داخلی دارند نیز عموماً برای مخاطبان ایرانی ساخته شده‌اند. در این بخش همچنین به پیش‌بینی و توصیف گروه سنی، تپولوژی و ویژگی‌های شخصیتی مخاطبان هدف هر یک از آثار نیز پرداخته‌ایم.

در این بخش، برنستیتی که هریک از فیلم‌های می توانند با مخاطب یا تماشاگر فرضی خود برقرار کنند، متمرکز شده ایم. برای این منظور، دودسته مخاطب شامل مخاطب مفروض و مخاطب واقعی را از یکدیگر تفکیک و مشخص کرده ایم که هر یک متناسب با آدافقه و سلیقه چه سنخ یا تئیی از خود را در فیلم، این اساس، فیلم‌هایی که مخاطب مفروضی خود را در جستارواخری می‌مانند، کن برین و... هدف گذاری کرده اند. دستا به دنبال ارائه تصویری از تکنیک از ایران هستند و

ژانریا زیر ژانر

بازدید دیگری ۱۱ فیلم، همچنان مثل سال‌های گذشته پیش‌تاز هستند. بدین معنا، تمامی فیلم‌های حاضر در فجر چندین نامزد، جوایز و مشتقات آن مانند: دیپلوم‌ها و سی‌اکوادم تئیکلی می‌دهند (نرم، شهرک، بر رویا، نگهبان شب، شب طلایی، هناس، می‌ماری، ماهان، ملاقات خصوصی، شادروان، علقران، زاندرادامه، زاندرادامه مقدس یا سه فیلم (موقعیت مهدی، دسته دختران، دختران) در ۲۸۸۸) در جایگاه دوم رتبه‌ای زیرتر از فجر هستند (قرار دارد).

زاندرادامه تجاری (برف آلود، درب، زاندرادامه، ضد، خائن ضد، بیوگرافیک، ورزشی، نو جوان یا یک فیلم (بیرو)، بیسی، نوآر، یک فیلم (مرد نازنده)، آکشن یا یک فیلم (لایه‌های دروغ) و معناگر یا یک فیلم (بدون قرار قبلی)، دیگر رتبه‌ها و زیر رتبه‌ها از آثار حاضر در این جشنواره را شامل می‌دهند.

[illegible]

نسبت سینما با وضع انقلاب اسلامی

هستند؛ تاج‌رسد به اینکه جلودار باشند و راه‌نشان دهند. جنگ اقتصادی عجیب و غریب ما با دشمن، دیگری است. ما امنیت ما، شهدای ما دفاع هم، مسئله اختلاف طبقاتی، مسئله غریزگی در مسئولان و سوءفکران کشور و بسیاری از مسائل ریز و درشت مرتبط با وضع ما در فیلم‌ها یا بازنمایی ندارند یا بسیار کم‌رنگ و کم‌ملاحظه‌کارانه است.

حسنواره فیلم‌ساز چهره‌نشان از بحران هویت رنج می‌برد. چطور می‌شود سه فیلم با سه جهان کاملاً متفاوت را در ۱۳، ۱۴ و ۱۵ رشته نامزد کرد؟ این فیلم دفاع مقدسی که فرمان محور مبتنی بر تاریخ شفاهی (موقعیت مهدی، این فیلم ملتهب دانشگاهی با تصاویر دیسئوپلیک از ابزار برای یک سند حسنواره‌ها خارجی و برای روایت برای گیش‌ده داخلی (غفار) و یک فیلم تجربی کشدار مردم پسند حسنواره‌ها فیلم‌های ایرانی می‌شود) و مستقل (بر آفر)، در همین وضع است. نشانه‌های از تلاش برای آشتی مردم و سینما در بعضی فیلم‌ها دیده می‌شود. تولید فیلم‌هایی که با حوصله و تعهد اعتقادی و تکنیکی درباره مضامین و موضوعات انقلاب اسلامی تولید شده‌اند، نویدبخش است (موقعیت مهدی، دسته خزان، دزد، حنا، س).

[illegible]

امیدهای فجر ۴۰

۱. آثار حاضر در جشنواره چهلم از حیث ظهور و بروز، چه زمان و بزرگ تر شدن حضور، چه زمان در قوه،ها، نسبت به آثار سال‌ها گذشته از وضعیت بهتری برخوردارند. برخی شخصیت‌ها به روشنی شما را می‌آید که چه زمان را دارند (بویو، موقعیت مدهی، دشواری، تناس) و برخی دیگر از باب اینکه حس هم ذات‌پنداری تماشاگر را برمی‌انگیزند و شخصیت‌های مبتنی هستند، اما همچنان متغیر و متأسل اند (مرد) بازنده، نگهبان، ملاقات خصوصی).

۴. رستاخیز: از دفاع مقدس اصیل پس
تمثالی است که شاید تنها اثر ملی
می شود.
۵. توده: برخی فیلمسازان به رویداد
و دراماتیک تاریخ انقلاب اسلامی و
بازنمایی این رویدادها در آثار سینما
امیدبخش دیگری است که از سال های
شده و در جشنواره چهلمین بین الملل
(تهران، موقعیت مهدی، ضد،
جشنواره چهلم، حضور

۶. ارسال نالی درام های اگروتیک جامعه که تصویر غیبی آنرا از وضعیت ارضای جامعه داند و روانی جبرگرا تا اواسط ارضای داند. یکی دیگر از نقاط آمیختن سواره چهلم است. این وضع در برخی قلم ها و باطله خصوص «عشق» (و امید) تطبیق شد است (ملاقات خصوم ... در برخی دیگر از قلم ها و باطله ناسی برای دستیابی به و اثرهای دیگر گفتنی است که داده است (هاس، شارون، مدرن دانه، پیو، لایه های خرد، شهرک، و ...)

اقتصاد سیاسی سینما

مادروضعی هستیم که سخن گفتن از اقتصاد سینما ساده نیست؛ چه رسد به اقتصاد سیاسی سینما! اقتصاد سینما به زبان ساده و در نازل ترین سطح ممکن یعنی دخل و خرج فیلم ها از کجای می آید و چقدر است؛ اما اقتصاد سیاسی سینما یعنی اینکه صرف این هزینه برای یک فیلم چقدر فائز راقوتیت و بازتولیدی می کند و چرا این فیلم ساخته می شود و ساخته نشود؟ فیلم به سود چیست؟

ساحتی نمی‌دانیم دقیقاً چه کسانی پول فیلم‌ها را می‌دهند و برای هر یک مقدار هزینه می‌شود. تهیه‌کننده و سرمایه‌گذار سه فیلم «فیلم‌های من» (علی‌اوجی در فیلم‌های خان‌کشی، ۲۸۸۸، بی‌مادر) در نشست صحرایان، سرحدات اعلام بودجه فیلمش «فیلم‌های خود را می‌بینی» و نشست خبرنگارانی جواب می‌گذارد و حتی می‌گوید: چرا باید اعلام کنم؟! مخالفت در این حد است که حتی فیلم‌هایی که به نام بخش خصوصی ساخته شده‌اند، احتمالاً از بودجه‌های دولتی استفاده می‌کنند، بدون آنکه اعلام کنند.

۵ فیلم جنسواره، تاجیک به شخصیت مشخص است. حدوده فیلم با سرمایه گذاری ۵۰۰ میلیون ریالی ساخته شده است و با رفتن ۱۰۰ میلیون ریالی به غیرا کمیتی، البته میزان باقی مانده را می‌تواند از راه‌های دیگر به دست آورد. مبلغ بعضی فیلم‌ها تا ۱۰۰ میلیون ریالی می‌رسد و به عنوان یک سرمایه‌گذاری در نظر گرفته می‌شود. بعضی با مشارکت ۱۰۰ میلیون ریالی می‌تواند به دست آورد. به عنوان مثال سرمایه‌گذاری ۱۰۰ میلیون ریالی، البته مثل سرمایه‌گذاری ۵۰۰ میلیون ریالی، به دست آوردن ۱۰۰ میلیون ریالی به دست می‌آید. به عنوان مثال سرمایه‌گذاری ۱۰۰ میلیون ریالی، به دست آوردن ۱۰۰ میلیون ریالی به دست می‌آید. به عنوان مثال سرمایه‌گذاری ۱۰۰ میلیون ریالی، به دست آوردن ۱۰۰ میلیون ریالی به دست می‌آید.

دش اقتصادداری در سینمای ایران وجود چندانی ندارد اما باین حال
 یببینیم که هنوز هم سرمایه‌گذارانی هستند که فیلم بسازند، آن هم در
 روابط گروایی که همین اقتصاد تحریف پیشین هم وجود ندارد! همین
 سال بیش از ۴۴ فیلم تولید شده است؛ و بیش از ۴۰ اثر به جشنواره رسیده
 است؛ در راستای این همه فیلم را چه کسانی و با چه انگیزه‌هایی تولید
 کنند؟

گاهی به سرمایه‌گذاران و تهیه‌کنندگان آثار می‌توان چند انگیزه را برای مایه‌گذاری در سینما برشمرد:

نهادهای حاکمیتی: این نهادها در حالت مطلوب به دلیل مسئولیتی که بر شانه‌های آن‌هاست، روی موضوعات ملی و دینی سرمایه‌گذاری می‌کنند و فیلم‌هایی بسازند که بخش خصوصی جرئت خطر کردن روی آن را ندارند. گاهی هم

بن نهادهای به ورطه تقسیم رانت می افتند و به همین دلیل کار را به آدم های بلد و غیر دلسوز می سپارند. از این بازه تر گاهی چشم به گیشه می دوزند! حتی گاهی برای جشنواره های خارجی فیلم می سازند.

کشیه پرست ها، فیلم های سطح پایین که فقط به قصد گیشه ساخته می شوند و معمولاً نظر کیفی نازل هستند، زحمت چندانی برای این فیلم ها کشیده نمی شود و فقط روی قشر محدود و نوکیسه و سینمارو حساب زمی کنند.

جشنواره ها: فیلم هایی که مستقیماً به نیت حضور در جشنواره های تجاری پدیدار می شوند و در آن ها دوربین جیبشان ساخته می شود. همان فیلم هایی که روی اعصاب تماشاگر داخلی راه می رود!

— سرمایه‌های هاشوک: بعضی قبیله‌ها در آن سرمایه‌گذاری نمی‌کنند، بلکه به‌جای آن به‌طور کلی از آن دور می‌مانند. به‌عنوان مثال، قبایل کورک و کورک‌کلی که در آن سرمایه‌گذاری نمی‌کنند، به‌جای آن به‌طور کلی از آن دور می‌مانند. به‌عنوان مثال، قبایل کورک و کورک‌کلی که در آن سرمایه‌گذاری نمی‌کنند، به‌جای آن به‌طور کلی از آن دور می‌مانند.

کم خرج های صرفه جو: بعضی از فیلم ها با امکانات اندک ساخته می شوند و معمولاً یک اقتصاد دورهمی، خانوادگی، بچه محلی و بسیار چابک دارند. این ها به دلیل کم توانی اقتصادی نه می توانند حرف تیزی نند و نه می توانند سینمای بدنه ای خلق کنند. نهایتاً در حد یک تجربه کبکی و فرمی باقی می ماند.

[illegible]

نقد و فروش

گردش اقتصادی در سینمای ایران وجود چندانی ندارد اما با این حال می بینیم که هنوز هم سرمایه گذارانی هستند که فیلم بسازند؛ آن هم در شرایط گرونی که همین اقتصاد نحیف پیشین هم وجود ندارد! همین امسال بیش از ۷۴ فیلم تولید شده است؛ و بیش از ۶۰ اثر به جشنواره رسیده است؛ به راستی این همه فیلم را چه کسانی و با چه انگیزه‌هایی تولید می کنند؟

